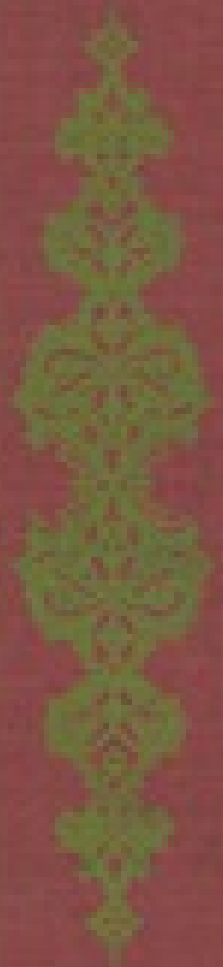




سجده
تفصیح
معارف



کتابخانه
جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (علیه السلام)

نویسنده:

محمد حکیمی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۸	مقدمه ی مولف
۳۵	اصل مالکیت
۳۵	مالکیت حقیقی
۴۲	مالکیت مجازی
۴۶	مالکیت اجتماعی
۵۰	مالکیت فردی
۵۷	حدود و شرائط مالکیت
۵۷	اصل محدودیت
۵۷	اشاره
۵۷	آزادی در مالکیت (لیبرالیسم اقتصادی)
۵۸	محدودیت در مالکیت
۶۴	محدودیت در راههای درآمد
۶۸	محدودیت سود در داد و ستد
۹۱	محدودیت در مصرف
۹۱	اشاره
۹۷	مفهوم «قوام» در اموال
۱۰۶	تقدیر (اندازه داری) در معیشت
۱۱۰	شکر (بهره برداری درست از نعمتها)
۱۲۱	پدیده ی فقر
۱۲۱	فقر، عامل مرگ و نابودی

۱۲۹	فقر عامل سلب شخصیت
۱۳۶	فقر، کلید مشکلات اجتماعی
۱۴۱	علل و عوامل فقر
۱۴۱	ظلم
۱۴۵	مدیریت غیر متخصص (ناواردان، بی تشخیصان، کم فهمان)
۱۵۲	فساد و تباهی اموال
۱۵۵	حاکمیت معیارهای سرمایه داری
۱۵۸	مدیریت خائن
۱۶۷	مبارزه با فقر
۱۶۷	تأمین نیازمندیها در طبیعت
۱۷۳	مالیات های اسلامی (زکات)
۱۷۶	حق معلوم
۱۸۴	تأمین سطح زندگی
۱۸۴	اشاره
۱۸۵	نان و آب
۱۹۰	گوشت
۱۹۴	لباس
۱۹۷	نظافت و بهداشت
۱۹۹	تزیین و آرایش
۲۰۳	عطر، بوی خوش
۲۰۶	وسایل رفاهی
۲۰۹	رابطه سطح زندگی و سطح درآمد
۲۱۳	تأمین سالیانه
۲۱۷	سطح زندگی با بدهی تغییر نمی کند
۲۲۰	حرمت مال و رشد آن
۲۲۹	کار و عمل

- ۲۲۹ کار در قانون طبیعت و نظام تکوین
- ۲۴۰ کار در قانون دین و نظام تشریح
- ۲۴۵ تعاون و مددکاری اجتماعی
- ۲۴۵ اشاره
- ۲۵۱ مستحب یا واجب
- ۲۵۷ اخوت اسلامی و خاستگاه اقتصادی آن
- ۲۶۹ مسئولیت دولت
- ۲۶۹ نقش حیاتی حکومت
- ۲۷۷ امام، میزان در جامعه
- ۲۸۴ ویژگیهای میزان بودن امام
- ۲۸۷ میزان و تعادل اقتصادی
- ۲۸۹ ارتباط توازن اقتصادی و دیگر توازن ها
- ۲۸۹ اشاره
- ۲۸۹ توازن اقتصادی و توازن فرهنگی
- ۲۹۰ توازن اقتصادی و توازن معنوی و اخلاقی
- ۲۹۲ توازن اقتصادی و توازن سیاسی
- ۲۹۳ توازن اقتصادی و توازن نظامی و دفاعی
- ۲۹۶ میزان و محدودیت در مالکیت
- ۲۹۸ رابطه عدل و حد میانه (قصد)
- ۳۰۱ رابطه ی میزان، با قیم و امین
- ۳۰۶ چگونگی رابطه ی امام و امت
- ۳۱۳ همسان زیستی با محرومان
- ۳۲۷ پدیده ی سرمایه داری (تکثیر گرایی)
- ۳۲۷ مشکل اساسی
- ۳۳۳ ره آوردهای شوم سرمایه داری و تکثیر گرایی
- ۳۳۳ اشاره

- تأثیر سرمایه داری در روابط اقتصادی و بعد زندگی مادی ۳۳۳
- اشاره ۳۳۳
- گردش ثروتهای عمومی در دست طبقه ی اشراف ۳۳۳
- ربا خواری ۳۳۶
- ظلم، خیانت و استثمار ۳۴۰
- انحصار طلبی در اموال (خصوصی کردن اموال عمومی) استثنا ۳۵۱
- کنز ۳۵۶
- تعیین مقدار در کنز ۳۶۶
- کنز و اسراف ۳۶۹
- کنز و عذاب موعود الهی ۳۷۱
- کنز و زکات ۳۷۳
- نظام طبقاتی ۳۷۵
- مفهوم طبقه ۳۷۷
- طبقات در جامعه ی سرمایه داری ۳۸۵
- تأثیر سرمایه داری در روابط انسانی و بعد معنوی (اخلاق سرمایه داری) ۳۹۴
- اشاره ۳۹۴
- گرایش به سود جویی و سود پرستی (رغبه الناس فی الربح) ۳۹۹
- ترک نیکوکاری و انجام دادن کارهای انسانی ۴۰۱
- ترک صله ی رحم (قطع ارتباط خانوادگی و خویشی) ۴۰۴
- بخل و خست ۴۰۷
- حرص و آزمندی ۴۱۲
- آرزوهای دور و دراز داشتن ۴۱۶
- انحصار طلبی و خود پرستی ۴۱۸
- ترک تعهد و مسئولیت شناسی ۴۱۹
- انتخاب دنیا و خواسته های دنیوی و فراموش کردن آخرت و آمادگی برای آن ۴۲۴
- انتظار سامان یابی زندگی ۴۳۲

۴۳۹ کرامت انسان و حقوق او

۴۵۸ درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (ع)/تالیف حکیمی، محمد، - ۱۳۱۸.

مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، انتشارات، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ص ۴۴۷

شابک: ۹۶۴-۴۴۴-۳۰۲-۰.

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Muhammad Hakimi. The Economic standards and Razavi's teachings.

یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: اسلام و اقتصاد

موضوع: اسلام و مالکیت

شناسه افزوده: بنیاد پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۲/ح ۸ ۱۳۷۹ ۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۱۳۹۹

ص: ۱

اشاره

در طول تاریخ، این مسئله مطرح بوده است که: در برابر تهیدستی تهیدستان و محرومیت محرومان مسئول کیست؟ و آیا آدمیان مسئول چگونگی زندگی هموعان خویش هستند یا نه؟ پاسخ به این پرسش - بطور کلی - بر پایه ی دو طرز تفکر (دو باور و عقیده) اختلاف می یابد:

۱- انسان در رفتار خود اراده ی آزاد و مستقلى ندارد، و در کارهایش فاعل حقیقی نیست؛ بلکه اعمال و رفتارش، به اراده ی غالب و چیره ای - از ماورای وجود او - انجام می یابد.

۲- انسان دارای اراده ی آزاد و اختیار است، و در صحنه ی زندگی فردی و سیر جامعه ی انسانی، نقش مؤثری بر عهده دارد.

در بینش نخست، انسان مسئول نیست، و در برابر نابسامانی ها تعهدی ندارد. این نظریه ی جبری مسلکان است - با همه ی اختلاف هایی که در مسلک جبری گری بوده و هست - از جبر گرایان قدیم تا دوره های تفسیر مادی و جبر تاریخ. در تمام این مکاتب، یا مسئولیت انسان به کلی سلب می شود، یا ضعیف و خدشه دار می گردد و عامل نابسامانی ها - در بست - در بیرون از حوزه ی قدرت و اختیار انسان جستجو می شود. از این رو این نظریه، ضربه ی ویرانگری بر تعهدها و مسئولیتهای انسانی وارد می آورد.

بدین گونه مکاتب جبری، آثار زیان باری داشته است. تاریخ عقاید و اندیشه ها به اثبات رسانده است که اندیشه ی جبر گرایی، از طرف حاکمان ظلم و زور و فساد و شاد خواران تاریخ ترویج شده است، برای پنهان داشتن چهره ی مجرمان اصلی جامعه ی

بشری، و نسبت دادن بیدادگریها و تباهی ها به تقدیر محتوم و اراده ی ماورای طبیعی.

«... مسأله ی آزادی انسان را نیز با سیاست رابطه ای محکم است. زیرا امویان قائل به جبر شدند، و از آن دفاع می کردند تا به مردم ثابت کنند که آنچه در صفین گذشت، و موجب انتقال خلافت به آنها شد، امری بوده است محتوم و آن را خدا خواسته بود و بشر را در آن دستی نبود. و لی مخالفان بنی امیه از آزادی اراده دفاع می کردند...» (۱).

آری، از افتخارات مکتب «اهل بیت - ع -» و تعالیم رضوی «ع»، نفی جبر و تثبیت اصل اختیار و آزادی اراده ی انسانی است. و همین اعتقاد خود تکلیف و مسئولیت را بطور مستقیم متوجه انسان می سازد.

حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا - علیه السلام - در بیان «حکمت احکام» و از جمله «زکات» می فرماید: «... لان الله كلف اهل الصحه القيام بشأن اهل الزمانه و البلوی (۲)... خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره ی) امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند...»

در این سخن، اصل تعهد و مسئولیت انسان که فرع بر اختیار و آزادی است با تأکید تثبیت شده است. همچنین در سراسر تعالیم قرآن کریم و آموزشهای نبوی و علوی و جعفری و رضوی و... مبنا و اصل و پایه، آزادی اراده ی انسانی و قدرت اختیار و انتخاب او است و ملاک صحت تکلیف نیز همین است. تعالیم و آموزشهای اسلامی، مبانی و اصول خود را بر این اصل والا و ارزشمند بنا نهاده است و این از افتخارات این مکتب است.

انسان در مکتب اختیار فرزند تکامل یافته و بالغ طبیعت است، - که در حد «امر بین امرین» - به خود وا گذاشته شده است، و کارهایش را بدون نیاز به اعمال فشاری و جبری از بیرون، بلکه به دستیاری خرد و نیروی اختیار خود انجام می دهد. اینکه می بینیم هر انسان، خود نوعی است و شیوه ها و روشهای ویژه ای در پیش می گیرد، و هر جامعه ای سیری دارد، این، نتیجه ی آزادی و اختیار انسانی است، و در

ص: ۱۰

۱-۱. تاریخ فلسفه در جهان اسلامی / ۱۲۶ - ۱۲۵. حنا الفاخوری - خلیل البحر ترجمه ی: عبدالمحمد آیتی، کتاب زمان.

۲-۲. عیون اخبار الرضا «ع» ۸۹: ۲.

پرتو همین اراده‌ی آزاد و انتخاب مستقل است که هر نوع مسئولیتی متوجه انسان است، و مسئولیتهای اقتصادی نیز داخل در همین مقوله است؛ بلکه باید پذیرفت که مسئولیتهای اقتصادی، از مهمترین مسئولیتهای است در حوزه‌ی عمل آدمی و روابط بشری (۱)، که همه‌ی انسانها در برابر آن مسئول و متعهدند، و هر کس به سهم خویش و به مقدار توانی که دارد (طبق تعبیر کلام امام رضا «ع»)، باید برای رفع نابسامانیهای اقتصادی جامعه‌ی خویش و کل جامعه‌ی بشری بکوشد. و همین خط مشی کلی و همین سیاست مالی است که از مجموع تعالیم دین و احادیث پیامبر اکرم «ص» و امامان معصوم «ع» - و از جمله مکتب رضوی - به روشنی به دست می‌آید. خط اساسی معیارهای اصلی این کتاب نیز بر همین محور دور می‌زند.

به مسائل دیگری نیز در این مقدمه باید اشاره کنیم.

۱- کار در این کتاب، بدین گونه صورت گرفته است: نخست در هر بخش، کلام الهی امام رضا «ع» تشریح شده است. پس از آن، ریشه‌ها و خاستگاه اصلی کلام آن امام بزرگ، از قرآن کریم بررسی گشته است، زیرا که گفتار و کردار پیامبر و امامان همگی با الهام از کتاب خدا است، و اقوال و افعال و احوال آنان همه بیانگر محتوای واقعی تفکر قرآنی و نشانگر حد و مرزهای دقیق آن است بنابراین در شرح و تفسیر کلام امام، نگرش به قرآن کریم، سرچشمه‌های اصلی و محورهای واقعی آن را روشن می‌سازد. بدین منظور چنین بررسی انجام گرفته است.

۲- برای تبیین نظرگاههای ویژه‌ی حضرت امام رضا «ع»، به احادیث پیامبر اکرم «ص» و امامان «ع» نیز رجوع شده است، زیرا که مجموعه‌ی سخنان پیامبر و امامان فرهنگ واحد و مکتب یگانه‌ای را عرضه می‌کند، که هر کلام و سخن (گرچه در فاصله‌ی زمانی مختلف و شرایط و اوضاع اجتماعی - سیاسی گوناگون گفته شده باشد)، بیانگر یک جریان تعلیماتی و پرورشی منسجم و به هم پیوسته‌ای است که تفکیک بخشهای آن، یا دوره‌ای از دوره‌ی دیگر، ناممکن است، و این تفکیک به چهارچوب‌ها و خطوط اصلی تفکر اسلام ناب محمدی و تعالیم علوی و رضوی زیان می‌رساند.

ص: ۱۱

۱- ۳. و همین است که در قرآن کریم «زکات»، همواره در کنار «نماز» که عمود دین و رکن اسلام است ذکر شده و عمود دوم دین شمرده شده است.

یگانگی در تعالیم نبوی و علوی، و نبوی و رضوی به این جهت است که پیامبر اکرم «ص»، از مکتب وحی و قرآن آموخته است، و امام علی «ع» و دیگر امامان «ع» از مکتب پیامبر «ص» آری و همه از پیامبر و قرآن الهام گرفتند، و دانای حقیقی رموز و اسرار احکام و علل احکام قرآن آنانند، و گفتار و آموزشهای آنان همه در یک جهت و یک مسیر است و برای تفسیر و تبیین اصول و فروع یک مکتب. بنابراین، چنان که قید و تخصیص در سخن امامی می تواند اطلاق و عموم سخن امام دیگر را تقیید کند یا تخصیص دهد، همچنین می تواند کلمات هر یک از امامان، در دوران بیش از ۲۰۰ سال، شارح و بیانگر حد و مرز و چهارچوب و عمق و کلیت کلام امام دیگر باشد.

اصل یاد شده در مبانی فرهنگ ما تردید پذیر نیست. این است که در این کتاب برای تفسیر و تحلیل کلام امام رضا «ع»، از کلمات پیامبر اکرم «ص» - که واسطه ی وحی و استاد اول این مکتب است - و کلمات امامان معصوم «ع» دیگر بهره گرفته شده است.

امام باقر «ع» می فرماید: «نحدثکم بأحادیث نکتھا عن رسول الله «ص»» (۱) برای شما سخنانی می گوئیم که از پیامبر خدا اندوخته (و آموخته) ایم».

۳- معیار سومی نیز در این کتاب به کار رفته است، و آن نگرش مجموعی و در رابطه با هم، به کلمات و تعالیم و احادیث امام رضا «ع» است. برای کشف یک حکم و دستیابی به یک اصل، به دیگر تعالیم و گفتار امام رضا «ع» نیز رجوع شده است. بنابراین به احادیث و تعالیم اقتصادی حضرت امام رضا «ع»، به شکلی جدا و تقطیع شده از احادیث و تعالیم اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، و حتی احادیث توحیدی و اعتقادی نگریسته نشده است. همچنین در آیات قرآن و احادیث پیامبر اکرم «ص» و امامان «ع» نیز نگرشی مجموعی و بررسی همه جانبه صورت گرفته است. گفتیم که تعالیم رضوی بیانگر دین خدا است. و دین خدا مجموعه ی واحد و یک «دستگاه شناختی و اعتقادی و عملی» به هم پیوسته و مرتبط و منسجم است، و همگی عقاید و

ص: ۱۲

احکام آن با هم پیوندی گسست ناپذیر دارد: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد، احکام، اخلاق، سیاست، اقتصاد، دفاع و ... همه و همه بیانگر خط و راه یگانه ای است که نگرش تجزیه شده و جداگانه به احکام آن، نه آئین خدا را روشن می سازد و نه اصل مکتب و نظام اعتقادی و عملی آن را مشخص می کند. آنچه یاد شد، یعنی نگرش به مجموعه ی اعتقادات و اخلاق و احکام دین به صورت مجموعه ای واحد، اصلی بسیار مهم است، بلکه رعایت آن در همه جا و همواره واجب است. و در این کتاب، معیار اصلی در شرح و تفسیر کلام امام رضا «ع» همین بوده است.

۴- توجه به اصل دیگری نیز در تفسیر و تبیین مکتب رضوی منظور بوده است، و آن، اهداف اصلی و اساسی آن امام بزرگ انسانیت است در نشر دین خدا و ساختن انسان پوینده ی راه خدا و جامعه ی مورد رضای خدا. از هدفهای اصلی امام رضا «ع» - و همه ی امامان و پیامبران در طول تاریخ - برقراری عدالت اجتماعی و ستیز و مبارزه با ظلم و بیدادگری در روابط اجتماعی و اقتصادی است (أوفوا الکیل و المیزان - و لا تبخسوا الناس أشياءهم). بنابراین، هر تعلیم و اصل و سخن و عمل و فتوا و موضعگیری و اقدامی که در این جهت و راستا قرار گیرد، رضوی و علوی و محمدی و الهی است، و هر کلام و عمل و نگرش و بینش و ... که در جهت ضد این آرمان بزرگ الهی و مردمی باشد، مأمونی و سفیانی و شیطانی است. پس آن دسته از تفسیرها و توجیه های تعالیم دین و گفتار رهبران معصوم، که با روح تعالیم و اهداف اصلی و اساسی آنان - در ساختن جامعه ی قرآنی و انسان قرآنی - ناسازگار است، از آئین خدای نیست و شیطانی و طاغوتی است (۱)، که به نام دین خدا و آئین اسلام و امامان عرضه می شود (۲).

ص: ۱۳

۱- ۵. و به تعبیری که امام خمینی ادا کرده است: «اسلام آمریکایی» است، نه اسلام ناب محمدی.

۲- ۶. اکثریت قاطع اندیشمندان و محققانی که تاریخ انقلاب پیامبر «ص» و اسلام را بررسی کرده اند. اسلام را انقلابی بنیادین و اصولی علیه بی عدالتی و تبعیض معرفی کردند و تضاد و ناسازگاری آئین و برنامه های آن را با اشراف و اشرافی گری ماهوی و جوهری شناختند: «انقلاب اجتماعی که پیامبر عرب بدان دست زد، از همه انقلابهایی که در همه ی اعصار تاریخ رخ داده، مهمتر و عمیقتر بود. او از حال بینوایان و ستم و طغیان توانگران از دیگران آگاه تر بود. خود فقیر و یتیم زیسته بود، و برای به دست آوردن قوت، برای دیگران مزدوری می کرد، و از علف بیابان و میوه خار بنان صحرايي سد جوع می کرد. «الم یجدک یتیما فوی، و وجدک ضالا فهدی، فوجدک عائلا فاغنی» (سوره ی ضحی، آیه ۸ - ۶). پیغمبر اسلام با توانگران و اشراف به جنگ برخاست و از حقوق بینوایان دفاع کرد، بنابراین مایه ی شگفتی نخواهد بود اگر کلمه «حق» و «عدل» و «انصاف» در مذاق فقرا خوش آید و دسته دسته به دین نو بگروند ... و این خود، اریستوکرات های مکه را ناخشنود سازد، تا جایی که پیامبر را اینگونه به تمسخر گیرند: «و ما نراک اتبعک الا الذین هم اراذلنا» (سوره ی هود، آیه ۲۷). جنگ بزرگی که اشراف مکه علیه پیغمبر برانگیختند تا جایی که او را به هجرت از دیار خود مجبور کردند، به خاطر دلبستگی به دین اجدادشان نبود، بلکه به خاطر اصولی بود که انتشار آن در میان عامه، مصالح اقتصادی اشراف را به خطر می افکند». تاریخ فلسفه در جهان اسلامی / ۱۶۰.

۵- توجه به ماهیت زمان و دگرگونیهای اصولی که در آن پدید گشته، و واقعیات زندگی امروز، و احوال انسان نو، و تحول حوادث در حیات جدید بشری نیز، محوری اصلی در این بررسی قرار دارد. بدون توجه به مسائل زمان و مکان و شرایط و اوضاع و احوال جدید، کشف درست اندیشه های والایی هر یک از امامان، ناممکن است (۱)، زیرا در هر دوره و زمانی، بسیاری از احکام و موضوعات دگرگون می شود، و موضوعهای جدید و تازه ای پدید می گردد. گفتار امامان «ع» برای زمانی ویژه یا محدود نیست، بلکه برای همه ی زمانها و دوره ها و همه ی حکم ها و موضوعها است. از این رو، جستجوگر راستین، در تعالیم الهی امام رضا «ع»، به ضرورت باید پیوند آن تعالیم را با زمانها و مکانها در نظر داشته باشد، و به تحولات زمانی و دگرگونی اوضاع و احوال انسانی نیک بنگرد، و رابطه های ظریف و دقیق را درست کشف کند، تا در این بررسی توفیقی - اگر چه اندک - نصیبش گردد؛ بویژه که بسیاری از مسائلی که بظاهر در زمانهای گذشته هم بوده است، امروز با همه ی همانندی صوری و اسمی، از نظر محتوا و حقیقت، بکلی تحول یافته و دگرگون گشته است. انسانها، جامعه ها، نیازها، مالکیت ها، بازرگانی ها، کار فرمایی ها و کارگری ها، مبادلات، پول، صنعت و ... همه با گذشته تفاوتی اصولی یافته است، به گونه ای که با دقت در معنا و مفهوم این واژه ها، در گذشته و اکنون، پی می بریم که بسیاری از این مسائل در امروز، از «مسائل مستحدثه» و نو پیدا به شمار می آید، که به کشف حکم جدید از اصول کلی تعالیم دینی نیاز دارد.

ص: ۱۴

۱- ۷. باید به صراحت گفت بدون توجه به مسائل و امور یاد شده، اجتهاد هم اجتهاد نیست، نوعی تقلید است که به نام «اجتهاد» عرضه می شود.

۶- بررسی مکتب رضوی، باید بدون کوچکترین انحراف یا التقاط انجام شود. هر گونه تأثیر پذیری از جریانهای گوناگون فکری، موجب کجروی در کشف حقایق این مکتب است. چنان که در اصول دین و مسائل والای توحید و معاد و وحی و نبوت نیز دخالت هر فلسفه و عقیده و فکری، انسان را از فراگیری خالص حقایق وحی و روح قرآنی آن مسائل و معارف دور می سازد.

متن کلام و نفس گفتار امام رضا «ع»، و دیگر آموزگاران معصوم «ع»، و ضوابط نهفته در آن، باید معیار و محور بررسی و کاوش قرار گیرد. اگر به این اصل توجه شود، همین خود کافی است و دیگر نیاز به چیز دیگری نیست. پس باید از تأویل و توجیه و تطبیق با هر نظر و اندیشه و فلسفه ای پرهیز شود. این اصل مهم در مسائل سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اقتصادی نیز لازم الرعایه است، یعنی باید از هر گونه نگرش تأویلی و التقاطی به آیات قرآنی و احادیث، و از جمله، به گفتار امام رضا «ع» کاملاً دوری شود.

التقاط یا تطبیق در مواردی که همانندیی اندک میان دو اندیشه و تعلیم وجود دارد، زمینه های دستیابی به اصل و حقیقت مکتب امامان «ع» را بکلی از میان می برد و ذهن را از خالص یابی بازمی دارد، و انحراف های اصولی پدید می آورد، که گهگاه اصل و بنیان فرهنگ آنان را واژگون می سازد (۱).

باید به هر اندیشه و مکتبی دقیق و خالص نگریست، و با معیارهای خود آن مکتب، حقیقت آن را کشف کرد، و اصول و فروع آن را استخراج نمود.

ص: ۱۵

۱- ۸. همواره تطبیق و توجیه و التقاط و همسان سازی (تأویل) در افکار و اندیشه ها، به زیان تمام شده و شناخت ناب و خالص را از دسترس دور داشته است. در کار بحث و بررسی اندیشه ها و مکتب ها، آزادگی و آزاد اندیشی شرط لازم است که در عین آگاهی از آراء و افکار گوناگون، پژوهنده باید شیفته و اسیر جریان خاصی نگردد، و تأویل را پیشه نسازد، و نپندارد که بدین گونه می تواند ناسازگاریها و تضادهای اندیشه ای را سازگار سازد. انسان اسیر یک ایدئولوژی یا جهان بینی و دلباخته ی یک دستگاه فلسفی - قدیم یا جدید - به هر فکر و اندیشه و آیین و مرامی با همان معیارها می نگرد، و هر اندیشه را با فکر پذیرفته ی خود می سنجد و تطبیق می دهد. این شیوه هر دو فکر و فلسفه را از آنچه هست دور می کند، و موجب التقاط و درهم آمیختن حقایق و افکار و اندیشه ها می شود. و معلوم است که چنین روشی تا چه اندازه به درک درست حقایق وحی صدمه می رساند. احادیثی که با لحن های بسیار مؤکد و تهدید کننده در منع از «تأویل» رسیده است برای صیانت «مکتب وحی» از همین صدمه ها است.

۷- در حل موضوعات نو پیدای جامعه و استنباط احکام و مسائل جدید، برخی چنین می پندارند که هر گرهی را باید با توسل به «عناوین ثانویه». یا رجوع به «ولایت فقیه» گشود. در این شیوه، اشکالی اساسی وجود دارد، و آن ظهور این تصور است که اسلام در اصل و در جهت گیریهای کلی که در «احکام اولیه» داشته به مسائل آینده اجتماعات بشری توجه نکرده است، و تحول اجتماعات و انسانها و دگرگونی نیازها و زندگیها را در نظر نگرفته است؟ و روشن است که چنین نیست. بنابراین، تصور درست آن است که گفته شود: اسلام در طرح مسائل اولیه و برنامه های اصولی و کلی که ارائه کرده است، راه حل اکثریت قاطع موضوعات نو پیدا و جدید را مشخص ساخته است. اسلام سیاست اقتصادی عادلانه ای عرضه کرده، که در چهارچوب آن، سیر اقتصاد و گردش ثروت، و نظام تولید و توزیع و مصرف، روشن است، و با حاکمیت این اقتصاد (اقتصاد قرآنی) جریان مال و امکانات با همه ی اختلاف در موضوعات و شیوه ها و ابزارها، جامعه را به رفاه و آسایش و برخورداری از نعمتهای الهی و کار و کالای لازم و زندگی بسامان می رساند، و کمبودها و نارسایی ها را از زندگی فرد و اجتماع می زداید. موارد بسیار اندکی پیش می آید که به «عناوین ثانویه» و اعمال نظر «ولایت فقیه» نیاز پیدا شود. و کشف این موضوع بدون داشتن شناخت عمیق از مسائل زمان و مکان و موضوعات جدید امکان ندارد. استنباط کننده باید - چنان که از کلیات احکام شناخت دارد - موضوعات و مصادیق جدید را نیز نیک شناسد، تا به استنباط احکام آنها موفق گردد. و حکم موضوعی را بر موضوعی دیگر تحمیل نکند، شناخت زمان و مکان و شرایط و احوال و موضوعات و تطبیق اصول کلی اسلامی بر موارد جدید، کار فقیهان است (فقیهان آگاه)، و پیاده کردن احکام و تطبیق فروع بر اصول و ضمانت اجرای احکام، بر عهده ی «ولی فقیه» نهاده شده است، چنانکه در تعالیم رسیده است.

۸- قرآن و پیامبر «ص» و امامان معصوم «ع» - چنان که در اصل پیشین یاد شد - راه حل هایی کلی و خط مشی ها و جهت گیریهای اصولی ارائه داده اند، و جریان کلی سیر مال و گردش کالا و بهره برداری از منابع طبیعی و شرایط و امکانات را، بطور عادلانه میان انسانها، تبیین و ترسیم کرده اند، بگونه ای که تأویل و توجیه پذیر نیست، و برای

صاحب نظران ژرف بین و آشنا با کلیات احکام در ارتباط با مسائل نو پیدای زمان، نقطه ی ابهام و تردیدی باقی نمی گذارد. در این کتاب، این گونه اصول و مبانی و خط مشی های کلی، بر اساس آیات و احادیث فراوان آمده است (۱).

قلمرو کار و مسئولیت قانون گذاران و مدیران و برنامه ریزان اجتماعی، نخست شناخت اصول و مبانی است، سپس حرکت در راستای آن جهت گیریها و خط مشی ها. و این کار در طول تاریخ بر عهده ی تجربه و علم و پیشرفت اجتماعات انسانی نهاده شده است، تا مصادیق و افراد و راههای نزدیکتر و مناسبتری برای پیاده کردن یک حکم یا اصل را بیابند و عرضه کنند.

برای مثال: اگر بنا بر اصول، استفاده از نان و گوشت و ویتامین ها برای همگان ضروری تشخیص داده شد، باید نگرست که نان و پروتئین و انواع ویتامینهای لازم، از چه راه و با چه شیوه و متد علمی و تجربی به دست می آید؛ و با چه شیوه ای می توان آنها را توزیع کرد، تا به همگان برسد. اینها بر عهده ی خود اجتماعات و افراد و علم و تجربه و مدیریت ها و نظامها و برنامه ریزی های درست است، که ممکن است در هر دوره و زمان و مکانی، معیارها و شیوه ها و فن و تکنیک آن دگرگون شود، و در اثر پیشرفت علم و تجربه راهها و روشهای بهتری برای دستیابی به موارد لازم و آماده سازی آنها کشف گردد. و این کار به تجربه مربوط است (۲).

امام صادق (ع): ... و كذلك اعطی علم ما فيه صلاح دنياه كالزراعه و الغراس، و استخراج الأرضين و ... و استنباط المياہ، و معرفه العقاقير ... و المعادن التي يستخرج منها انواع الجواهر ... و التصرف في الصناعات، و وجوه المتاجر و المكاسب ... فاعطی علم ما يصلح به دینه و دنياه و ... (۳) و بدینسان آدمی از دانش هایی بهره مند شد که زندگی دنیای او را سامان بخشد، چون: کشاورزی، درختکاری،

ص: ۱۷

-
- ۱- ۹. در مجموعه ی جلدهای ۳ تا ۶ کتاب «الحیاه»، اینگونه اصول و مبانی و آیات و احادیث آنها عرضه گشته است.
 - ۲- ۱۰. اصولا، مبانی و اصول اقتصادی، مکتب و آئین اقتصادی است که باید به وسیله ی عالمان اسلامی تدوین یابد، و طرز پیاده کردن و به عمل در آوردن کار علم است که عالمان و متخصصان و برنامه ریزان اقتصادی، بر اساس مبانی و اصول، آن را پیشنهاد می کنند.
 - ۳- ۱۱. بحار ۸۳: ۳.

استخراج (منابع از) زمین ... کشف آبهای زیرزمینی، شناخت داروها ... و معادن انواع سنگهای قیمتی، و شیوه های صنعت و فن، و راههای مبادله و داد و ستد ... پس (به ابزار) شناخت چیزهایی که به صلاح دنیا و دین انسان است مجهز شده است ...

پس چنان که نان و گوشت و ... در صورت تهیه شدن با کشاورزی و دامداری های قدیمی، و آبیاری دستی و ابزار ابتدایی و آتش و چوب و سنگ و گرمی خورشید و ... مشمول حکم و قانون «ضرورت نان و گوشت برای همگان» بود، همین نان و گوشت و ... در صورت تهیه شدن با کشاورزی های صد درصد ماشینی و آبیاری مصنوعی و قطره ای و کود های شیمیایی و تهیه و توزیع ماشینی و محاسبات کامپیوتری و نیز مشمول ضرورت یاد شده خواهد بود از این رو است که در تعالیم رضوی و در مجموعه ی آموزشهای قرآن و اسلام، طرحها و راه حل هایی کلی، برای جهت بخشیدن به حرکت اقتصادی انسان در اجتماعات مدرن و صنعتی امروز نیز هست، همان سان که برای جامعه های گذشته بوده است و کلام امام بزرگ، حضرت ابوالحسن الرضا «ع» راهگشا و هدایتگر انسان امروز و انسانهای آینده نیز هست. و در این میان، هر نارسایی و ابهامی که پدید آید از کوتاهی دید و درک و فکر ماست و برخاسته از تصور محدود و ناقص و یا برداشت غلط و نادرستی است که ما از آن تعالیم داریم، و گرنه این فرهنگ غنی و بی همتا، به ذات خود، ندارد عیبی ...

۹- روزهای نگارش این صفحات تقریباً مقرون بود، با رنگ باختگی یکی از مکاتب بشری، که از پایگاهی ایدئولوژیکی به ادیان و به اسلام می تاخت، و مدعی گسترش عدالت اجتماعی و دفاع از محرومان، کارگران و ... بود. این رنگ باختگی و تزلزل، مسائلی را روشن ساخت و مسئولیت هایی را نیز برای مسلمانان راستین پدید آورد. اکنون، در بند نهم از این پیشگفتار، با استمداد از امداد ولایتی حضرت امام رضا «ع»، به برخی از این پیامدها اشاره می کنیم:

آ - هر گونه انکار واقعیات حیات بشری، و گرایشهای روحی افراد و اجتماعات، و نادیده گرفتن فطرت و اصول برخاسته از سرشت و طبیعت انسانی، راهی جز این در پیش نخواهد داشت. بی تردید همه ی مکتب ها و قانون هایی که ضد فطرت خدایی و سنتهای الهی و سرشت انسانی حرکت کنند، به چنین سرانجام ناهنجار و فنا پذیری

کشیده خواهند شد.

ب - در این تحول، این وعده ی قرآنی نیز تحقق یافت که: همواره جریان حرکت تاریخ و نیروهای محرک آن، بر پایه ی درگیری میان حق و باطل و عدل و ظلم است، که به صورت جدال بزرگ میان داعیان بحق و رهبران زر و زور، و سرانجام میان پیامبران و ملأ- و مترفان و مستکبران تجلی می کند؛ این است، نه آن که بلوک شرق می گفت و دوره های تاریخ را ترسیم و تقسیم می کرد و نیروی محرک تاریخ را می شناساند.

در تاریخ در یک سو پیامبران و مدافعان حقوق محرومان بشری هستند، و در سوی دیگر، مترفان، شاد خواران، مرفهان بی درد و سرمایه داران و مسرفان. و اکنون نیز کشورهای جهان، و جامعه ی انسانی و تاریخ، در همین دو سوی در حرکتند. قدرتهای بزرگ و وابستگان شان شتابزده به سوی تکنیک و فن و قدرت برتر به پیش می روند، تا به اقتصاد پیشرفته تری دست یابند و کالای بیشتری تولید کنند و بازارهای جهان را بیش از پیش قبضه کنند. و مواد خام کشورهای محروم را نیز در انحصار خود در آورند.

در سوی دیگر، انسانهای محروم و کشورهای عقب نگه داشته شده و مستضعفانند، که در زیر چکمه ی قدرتهای بزرگ اقتصادی جان می دهند، و اغلب به حداقلی از نیازهای زندگی نیز دست نمی یابند.

بنابراین، در آینده، رقابتها و تضادها در جهان، بر سر منافع و سلطه ی اقتصادی است، و جهان دیگر دارای دو بلوک (بلوک سرمایه داری - امپریالیسم - و بلوک اشتراکی - سوسیالیسم) نیست، که یک بلوک مدعی پایگاه ایدئولوژیکی باشد و بلوک دیگر بر قدرت سرمایه تکیه کند؛ بلکه قدرتهای جهانی یک رویه و یک سویه شدند، و همگان در اندیشه ی دستیابی به قدرت و سلطه ی اقتصادی هستند، و به تعبیر قرآن کریم «مترفان و مسرفان و مستکبران» اند. و اینان همواره به بیداد و ستم و حق کشی دست می یازند، و توده های نجیب و بی پناه انسانی را به استضعاف می کشند، و با مدافعان حقوق انسانها نیز به ستیز برمی خیزند، و هر سخن حقی را که در دفاع از مستضعفان گفته شود انکار می کنند، و آن را زیر انواع تبلیغات می پوشانند و این همان فرموده ی خداوند است: «و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها: انا بما ارسلتم به

کافرون (۱) به هیچ شهری انداز گری نفرستادیم، مگر اینکه شاد خواران آن شهر گفتند که ما رسالت شما را باور نداریم.»
«صدق الله العلی العظیم».

تاریخ چنین بوده است و چنین خواهد بود، یعنی همواره و همیشه و بدون استثنا (چون بیان قرآن به صورت نفی و استثنا است که «حصر» را می رساند)، مترفان، شاد خواران و سرمایه داران و مال اندوزان، مانع راه بشریت و دشمن مدافعان حقوق محرومان - یعنی پیامبران - بوده اند، و در برابر داعیان به حق و رسولان الهی که آنان را به حفظ حرمت حقوق انسانها و ترک تجاوز و ستم دعوت می کردند و از «بخس اشیاء ناس (۲) کم بها دادن به کار و کالای مردم» (یعنی استثمار)، منع می نمودند، و به ستیز و نبرد و رویارویی و جنگ و خونریزی برمی خاستند (و کأین من نبی قاتل معه ربیون کثیر).

ج - حال، با این تحول های شگفت انگیز بار رسالت حوزه های اسلامی سنگین تر می شود، زیرا که اسلام به عنوان تنها پایگاه عقیدتی و مرامی بر جای می ماند، که در برابر یورش قدرتهای سلطه طلب اقتصادی قد برافراشته است. و این اسلام، نیاز به تفسیر و تبیین درست دارد.

باید توجه داشت که مشکل بشریت، خود بشریت است، یعنی انسانهای آزمند و آزمندی های طبقات اندک انسانی و فزون خواهی های آنان، همینهاست که تضادها، درگیریها، جنگها، بلوک بندیها، محرومیتها و نابسامانی ها را پدید آورده است و پدید می آورد، چنانکه قرآن کریم گفته است: (کلا، ان الانسان لیطغی ان راه استغنی (۳) حقا که آدمی سرکشی و نافرمانی می کند. هر گاه که خویشان را بی نیاز ببیند».

پس در این برهه از تاریخ حساس انسان، که پوچی و پوکی ایدئولوژیهای ساخته ی بشری روشن گشت، و همه ی پشتوانه های خیالی آنها درهم ریخت، این وظیفه بزرگ بروز می کند: عرضه ایدئولوژی درستی که به راستی به سوی ایجاد «عدالت اقتصادی و

ص: ۲۰

۱- ۱۲. سوره ی سبأ (۳۴): ۳۴.

۲- ۱۳. تعبیری است قرآنی: «ولا تبخسو الناس اشیاءهم ... : و چیزهای مردمان (کار، کالا و هر چیز بها دار) را کم بها مکنید ...» سوره شعراء (۲۶): ۱۸۳.

۳- ۱۴. سوره ی علق (۹۶): ۶-۷.

معیشتی» حرکت کند، و کفه ی ترازوی امکانات معیشتی و رفاهی و کار و کالا و سرمایه ها را به نفع محرومان و مستضعفان سنگین سازد، و اسراف کاریها، استثمارگری ها و ستم های اقتصادی و سیاسی را از میان ببرد و قدرت مالی و طاغوت اقتصادی را ریشه کن کند. این چنین مکتبی می تواند خلأ عظیم جامعه های بشری بویژه جهان مستضعفان را پر کند. ایدئولوژی و مکتبی که واقعیات حیات انسانی و قوانین عقل و فطرت را منکر نشود، و آزادیهای انسانی انسان را نادیده نگیرد، و خواسته های اصلی فطرت را منظور دارد، و با ایمان بشریت بازی نکند. از این رو است که اسلام شناسان واقعی اکنون باید با عرضه ی درست مبانی اسلامی، بویژه «بخشهای اقتصادی و عدالت اجتماعی»، بشریت را از بن بست در آورند، و اسلام را بدان گونه که هست معرفی کنند، و آیینی را عرضه دارند که تار و پود قوانین و احکامش جانبدار محرومان است و برپا دارنده ی قسط و عدل. و برای همین منظور بزرگ، در اصل و فرع، و تا کوچکترین احکام خود، در تضاد با مترفان و مسرفان و مستکبران و متکاثران است، چه سیاسی و چه اقتصادی (۱).

اکنون و در این دوره، و با این مسئولیت عظیم که متوجه همه ی حوزه های اسلامی و اسلام شناسی است. دردناک اینست که این دین و آئین (دین عدل و آیین قسط)، نادرست تفسیر شود، و بسته ذهنی و بی خبری از مسائل زمان و کج فهمی، در سر راه شناخت و عرضه ی درست اسلام مانع ایجاد کند، و دین حامی مستضعفان، سنگر مترفان و تکاثر طلبان معرفی گردد. و در این صورت است که رهبران دین خدا را خشمگین کرده ایم.

امام صادق «ع» می فرماید: «والله ما الناصب لنا حربا بأشد علينا مؤونه من

ص: ۲۱

۱- ۱۵. راه همه ی رهبران الهی چنین بوده است. تاریخ علم نویسان غربی نیز اعتراف کردند که: بزرگترین فریادها علیه مالکیت های بزرگ در طول تاریخ، از طرف انبیا بوده است. تاریخ مالکیت، فیلیسن شاله / ۴۱. این خصومت و درگیری و دشمنی چون طرفینی بوده است - و جز این نمی توانست و نمی تواند باشد - بزرگان ما هم گفته اند: «ان المتصدی لانکار الشرایع، و المقدم علی جحود الصانع، انما هم الاغنیاء المترفون» عده الداعی / ۱۱۱ و «کان اتباع الانبیاء فیما مضی، الفقراء و اوساط الناس دون الاغنیاء»، مجمع البیان ۳۹۲: ۸. بلکه قرآن فرموده است: «والمکذبین اولی النعمه»، که همواره «اولی النعمه» (دارایان و توانگران) ضد پیامبران و داعیان عدل و قسط بوده اند.

الناطق علينا بما نكره. (۱) به خدا سوگند آن کس که در برابر ما به جنگ برخاسته است، بر ما دشوارتر از کسی نیست که درباره ی (مکتب و تعالیم ما) سخنی بگوید که مورد رضای ما (و از مکتب ما) نیست».

امام رضا «ع» می فرماید: رحم الله عبدا احیی امرنا. فقلت له: و کیف یحیی امرکم؟ قال: یتعلم علومنا و یعلمها الناس. فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا. (۲) خدا بیامرزد کسی را که امر ما را زنده کند. گفتم: چگونه امر شما را زنده می کند؟ فرمود: علوم ما را می آموزد و به مردمان تعلیم می دهد. همانا اگر مردم تعالیم زیبای ما را دریابند از ما پیروی کنند (نه از غیر ما)، «یعنی به راه درست و «صراط مستقیم» درمی آیند، و به سعادت هر دو جهان می رسند.

و همین است که امام عصر حضرت حجه بن الحسن المهدی «ع» نیز موضوع پشت کردن به عدالت و توجه به مال و تکاثر را مانع از رسیدن مردم به حضور ایشان و طلوع آن نیر اعظم خوانده است. در پاسخ به سخنان علی بن مهزیار اهوازی می فرماید: «... ولکنکم کثرتم الاموال، و تحیرتم علی ضعفاء المؤمنین... (۳) این شماست که به سرمایه داری و انباشتن اموال روی آورده اید، و مستضعفان را (به دلیل فقر و پریشانی) از راه بدر کردید».

و تردیدی در این نیست که مقصود از «محاسن کلام» در سخن امام رضا «ع» همان تعالیم زیبا و نجات بخش و زندگی ساز امامان است، و محتوای عمیق و اصولی آنها، که راهگشا و چاره ساز انسان نابسامان امروز است.

و در پرتو چنین شناخت و عرضه ی درست است که آگاهان و نسلهای نو از هر گونه یاس و بدبینی و سرخوردگی می رهند، و احساس خلأ نمی کنند، و در دین و مکتب خوش ضعف و سستی در پاسخ به مسائل زمان نمی یابند.

در برابر این مسئولیت بزرگ، هر گونه کوتاهی رخ دهد، خیانتی بزرگ و جبران ناپذیر است، که در آینده های بسیار دور نیز جبران نخواهد شد.

ص: ۲۲

۱-۱۶. و سائل ۴۱۴: ۱۱.

۲-۱۷. معانی الاخبار ۱۷۴: ۱.

۳-۱۸. غایه المرام / ۷۷۹؛ الحیاه ۴۶۱: ۶.

امام رضا «ع» می فرماید: «رحم الله عبدا حببنا الى الناس و لم يبغضنا اليهم و ايم الله لو يرؤون محاسن كلامنا لكانوا اعزوا لما استطاع احد ان يتعلق عليهم بشي (۱) خدای بیامرزد کسی را که ما را در نظر مردمان محبوب سازد نه مبعوض. به خدا سوگند اگر تعالیم و سخنان نیکوی ما را به مردمان بگویند، خود نیز به عزت دست می یابند و هیچ کس نمی تواند کوچکترین خرده ای بر آنان بگیرد».

آیا این چنین نیست که باید نسل و زمان را به حب راستین آل محمد «ع» دعوت کرد؟ حب راستین، در پرتو عرضه ی درست فرهنگ آنان صورت می پذیرد. و هر گونه دوری و اعراض و بی توجهی و ناباوری و مخالفت با آموزشهای اسلام و تعالیم محمدی و علوی و جعفری و رضوی و ... در سایه ی برداشت نادرست و تبیین غلط و دور از زمان پدید می آید. اگر به راستی معارف اسلام و مکتب رضوی بدان سان که هست شناسانده شود، و در عینیت و عمل اجرا گردد، سربلندی جامعه ی قرآنی و عزت و کرامت انسانی را تأمین می کند و مردمان را، در قلمرو اندیشه و عمل، به هدایت و نور و کامیابی و سعادت می رساند، تا خویش را از هر مرام و مسلک و مکتبی بی نیاز ببینند، و دوستدار رهبران راستین گردند، و رو به سوی مدعیان دروغین و سراب های آب نما ننهند.

د - برخی از ساده اندیشان چنین می پندارند که دیگر بر سر راه جوانان ما مانعی نیست، و خطری ایشان را تهدید نمی کند، زیرا که ایدئولوژی چپ با شکست روبرو گردید و ...

در این باره باید گفت: اگر چه واقعیات زمان و قوانین فعال فطرت و ... مبنای این مکتب را درهم ریخت، و شیرازه ی نظامهای آن را از هم گسیخت؛ لیکن حس عدالت خواهی و ظلم ستیزی هیچگاه از میان نخواهد رفت، و عطش انسانها به عدالت و تساوی حقوق، و استفاده ی معقول و عادلانه از مواهب طبیعی، و امکانات اجتماعی، و نفی و طرد تبعیض های ناروا، همواره وجود خواهد داشت، بلکه روز افزون خواهد گشت. از این رو عرضه ی اسلام ناب محمدی، و عدل علوی و آیین جعفری، و تعالیم رضوی، ضرورتی بدل ناپذیر دارد، تا راهگشا و منجی انسانها و جامعه ها گردد، و خلأ عظیم را پر کند. این است که هر گونه کوتاهی در این عرضه و تبیین، یا برداشت

ص: ۲۳

نادرست و ارتجاعی، ظلمی است بزرگ به این فرهنگ بی همتای الهی و میراث غنی بشری، که خود زمینه‌ی همه‌گونه انحراف و بریدگی را در میان نسله‌ها پدید می‌آورد، و هرگونه گرایش نادرست و ضد دینی را موجب خواهد گشت.

در پایان این سرآغاز، تذکر این نکته نیز ضروری است:

این کتاب برگرفته‌ای است از کتاب «الحیاه» (جلدهای ۳ تا ۶)، که مسائل مالی و سیاست اقتصادی اسلام در آن چهار جلد بررسی شده است. پس از گردآوری و تنظیم نهایی مسائل اقتصادی در آن کتاب، بررسی مجموعه‌ی گفتار امام رضا «ع» تقریباً به همان شیوه‌ها و معیارها، و تفسیر و تبیین‌ها انجام گرفت، و به صورت کتاب حاضر عرضه گشت (۱). بنابراین می‌توان این کتاب را شرح و تفسیری برای پاره‌ای از مسائل مطرح شده در «الحیاه» دانست (۲)؛ چنان‌که بیانگر سیاست اقتصادی و بسیاری از مسائل مالی است که در تعالیم و احادیث گوناگون امام بزرگ انسان، حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا - علیه السلام - آمده است.

اکنون امید است که این قلم نارسا، در شناختن و شناساندن این بخش از گفتار الهی امام رضا «ع»، و نشر تعالیم حیاتبخش، و «محاسن کلام» آن امام بزرگ، اندکی روشن یافته باشد، و دیدگاه‌های ویژه مسائل مالی در احادیث آن پیشوای الهی را اندکی روشن کرده باشد؛ و این اثر در زمینه‌ی یاد شده و برای این‌گونه بررسی‌ها سودمند افتد، و رضایت خداوند متعال و شفاعت آن امام بزرگ و مهربان، و خشنودی خلق را موجب گردد؛ ان شاء الله.

مشهد مقدس

۱۴ / ۵ / ۱۳۶۹

۱۲ محرم ۱۴۱۱

ص: ۲۴

۱- ۲۰. این کار با رضایت و اجازه‌ی دو مؤلف دیگر کتاب انجام یافته است.

۲- ۲۱. نیز بخشی دانست از «تفسیر الحیاه»، که جلد اول آن تالیف یافته است.

